

گریز ملیجکان امپراتوری

دیوانسالاری وال استریت

چگونگی برآمد بن لادن، خروج القاعده - پیدایش ناگهانی تروریسم « اسلامی »! وصف بسیج و تسلیح مجاهدین افغان (طالبان) با چراغ سبز کاخ سفید برای روز مبادا، فرجام غم انگیز منتهن... بماند. سخن برسر دعاوی ضد و نقیض قانونگزاران حرفه ای، گزارش عریض و طویل کمیته تفتیش سنای آمریکا در مورد « زیاده روی های غیر لازم »! بر سر بد رفتاری بعضی ماموران خشن سازمان سیا با متهمان شرکت در ماجرای مشکوک ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی است. افاده ها طبق طبق...

بزعم جنابان - اهلی نظم مستقر، آرایش خر تو خر، دمکراسی توطئه و حقه بازی، آنانکه خاک را به نظر کیمیا کنند... گویا « بد رفتاری و خشونت ماموران سازمان سیا »! هیچ ربطی با میلیتاریسم احمقانه و افسارگسیخته امپریالیسم آمریکا در دوران معاصر، سیاست جاری آقای « کاخ سفید »! اشاعه نژاد پرستی، خارجی هراسی، بیگانه ستیزی، ربطی با لشکر کشی، ویرانگری و کشتار، ترور و اختناق در سطح ملی و بین المللی ندارد. از قرار معلوم، مثل این که سازمان سیا کشک خود را می سابد، از پنتاگون فرمان نمی برد، برای کاخ سفید تره هم خرد نمی کند...

دیدیم که چطور این ملیجکان « منتخب »! سناتورهای دمکرات و جمهوریخواه، نگران امنیت امپراتوری دلار، دیکتاتوری اولیگارشی مالی در سطح ملی و بین المللی، فراخوان تروریستی « نظم نوین جهانی »! طرح مکمل، اشغالگرانه « خاورمیانه بزرگ »! برای ترور خلق ها، اختناق ملت ها، برای ویرانگری و کشتار جمعی در مناطق غیر خودی، اشغال کشورهای « مزاحم »! یوگسلاوی و افغانستان و عراق و لیبی... را تائید کردند، سودای جهانسالاری عمو سام را برسمیت شناختند.

چون در غیر اینصورت، بدون آشنائی قبلی با سنت سوداگری، مداحی و خایه مالی، نمی توان دعاوی ضد و نقیض حضرات، لابی حرفه ای، سناتورهای دمکرات و جمهوریخواه، گزارش عریض و طویل کمیته تفتیش سنای آمریکا در مورد « زیاده روی های غیر لازم »!؟ بد رفتاری بعضی از ماموران خشن سازمان سیا با متهمان... را بدرستی فهمید و هضم کرد. شرط بلاغ...

دست های « نامرئی »!

بنظر من، این گزارش عریض و طویل، جوهری ریاکارانه دارد، قابل اعتماد نیست. چون کمیته تفتیش سنای آمریکا، مثل یک دلال حریص، سرنا را از سر گشادش می زند، معلول را بجای علت می نشاند تا به مساله اصلی نپردازد - با یک بازی فریبنده « حقوقی »! ماجرای مشکوک ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی را، بیش از پیش، در پرده ابهام قرار می دهد. تعبیر رسمی را تکرار، دروغ های کاخ سفید، همه حقه بازی های سازمان سیا و پنتاگون را، بنام « سنا »! بازآفرینی می کند...

بهر حال، راست یا دروغ، در مثل که مناقشه نیست، فرض می کنیم که تمام مسئولیت این ماجرای مشکوک را یک گروه مرموز - موسوم به « القاعده »! بدوش داشته باشد. ولی « القاعده »! چه معجونی است؟ چرا، در چه زمانی و در کجای جهان خاکی شکل گرفت؟ سازمان داده شد؟ با کی یا کدام محافلی محشور، برعلیه چه کسی، گروه یا نهادی می جنگید؟ چه اهدافی را دنبال می کرد؟ چه آشنائی خاص، یا خرده حساب قبلی با آقای « کاخ سفید »! سیا و پنتاگون، اصلا چه خصومتی با آمریکا داشته و دارد...

اگر اشتباه نکنم، برای انجام تحقیقاتی از این دست، سنای آمریکا اختیارات تام دارد. نمایندگی « مردم »! که شوخی نیست. حیرت آور اینکه قریب ۱۴ سال بعد از این ماجرای مشکوک (۱۱ سبتمبر ۲۰۰۱ میلادی) هنوز این پرونده راکد مانده - رازی که افکار عمومی را قلقلک می دهد. زبانم لال، نکند که کاسه ای زیر نیم کاسه باشد. هیچ بعید نیست. چون سوای از ما بهتران، محافل پشت پرده... هنوز کسی نمی داند که چطور، خیلی سریع، ظرف یکی دو روز، تشخیص بن لادن، طراح و رهبر اصلی این ماجرای مشکوک مقدور شد، عوامل اجرایی انفجارهای منتهن شناسائی، تقریبا تمام جان نثاران شرکت سهامی بن لادن، فعال در این عملیات تروریستی دستگیر شدند...

در این ارتباط، هنوز نمی توان حرف آخر را زد. انگیزه عصیان « بنی هاشم »! شیوخ خر پول نفتی، سلفی - عربستانی دخیل در انفجارهای مشکوک منتهن را توضیح داد. بنظر نمی آید که سناتورهای « منتخب »! دمکرات و جمهوریخواه، بفکر حل معما باشند. حیرت آور اینکه کمیته تفتیش سنای آمریکا - با آن همه اختیارات ویژه... انگار نه انگار، زیاد سخت نمی گیرد، مته به خشخاش نمی گذارد - برای این قبیل مسائل « پیش پا افتاده »! موی دماغ سلاطین نفتی، فک و فامیل بوش... نمی شود.

سناتورهای « نادان »!

گزارش تفصیلی و غلط انداز کمیته تفتیش سنای آمریکا در مورد « زیاده روی ها »! عملیات « محیرالعقول »! بد رفتاری و خشونت « چند تن »! از ماموران سازمان سیا با متهمان شرکت در ماجرای مشکوک ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، گویا بدون اطلاع جورج بوش صغیر - رئیس جمهور وقت آمریکا، گنگ و مبهم، سوء ظن برانگیز... کلی جای حرف دارد. در این ارتباط، خطای سناتورهای فهیم و کارکشته، دمکرات و جمهوریخواه، خطای جمعی قانونگذاران آمریکا، فرض می کنیم تصادفی، با عقل سلیمی جور در نمی آید. پس باید کاسه ای زیر نیم کاسه باشد...

الف (گنگ و مبهم است: چون چیزی در باره محرک میلیتاریسم کور امپریالیسم آمریکا، استراتژی ویرانگر (پنتاگون) نمی گوید. بر روی سهم عظیم تسلیحات، صنایع نظامی، حضور نیرومند پنتاگون در اقتصاد آمریکا، بهمین دلیل، حاضر در اقتصاد جهان کنونی، سرپوش می گذارد. نیش عقرب نه از ره کین است...

ب (سوء ظن برانگیز است: چون هیچ حرفی از فراخوان تروریستی « نظم نوین جهانی »! طرح اشغالگرانه « خاورمیانه بزرگ »! سودای جهانسالاری امپریالیسم آمریکا نمی زند. اشغال نوبتی یک سلسله از کشورهای « مزاحم »! سرکوب آشکار خلق های « یاغی »! ترور و اختناق ملت های « خاطی »! توسط سازمان تروریستی - بدون مرز ناتو را ماستمالی، اشغال یوگسلاوی و افغانستان و عراق و لیبی... در یکی دو دهه اخیر را امری « طبیعی »! بی ارتباط با توطئه های تروریستی - فرامرزی - استعماری امپریالیسم آمریکا و شرکاء، دخالت غیر قانونی، اقدامات نظامی سازمان سیا قالب می کند...

کلی سند و مدرک، کتاب و نشریه، شکایات فامیلی، خاطرات فردی، فیلم های مستند، تصاویر غم انگیز... دلایل و شواهد زنده بسیاری وجود دارد مبنی بر اینکه سازمان سیا، طراح و مجری کودتاهای ننگین در دهها کشور جهان - ایران و اندونزی و کوبا و فیلیپین و شیلی و آرژانتین و ونزوئلا و نیاکاراگونه و بولیوی و اورگونه و گواتمالا و پاناما و هندوراس و تاهیتی... فقط برای اغتشاش، تجاوز و جنایت، ترور و اختناق و آدم ربائی، نقض موازین، نفی قوانین، ویرانگری - سیا برای انجام عملیات جنائی، کارهای غیر قانونی، بوجود آمد. گویا کمیته تفتیش سنای آمریکا نمی داند که (سیا) در ورای این حقایق « تلخ »! قابل تصور نیست. نمی فهمد که کودتاهای ننگین مطلوب محافل مالی و صنعتی، بورس و تسلیحات، استراتژی امپریالیسم آمریکا در دوران معاصر را دنبال می کنند.

قانونگزاران « متوهم »!

بعد از بوقی، تازه کمیته تفتیش سنای آمریکا « کشف کرد »! که سازمان سیا برای بازجویی متهمان شرکت در ماجرای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی از مامورانی استفاده کرده که کلی سابقه خشونت و سوء استفاده داشتند. با زور از این متهمان اقرار می گرفته اند - پدر سوخته ها. تازه « کشف کرد »! که سازمان سیا حداقل ۱۹ بازداشتگاه های مخفی در کشورهای ثالث دارد. بازجویی شماری از این متهمان با شکنجه همراه بوده است...

از کرامات شیخ ما چه عجب پنجه را باز کرد و گفت و جب

بشنوید از رئیس کمیته تفتیش سنای آمریکا - که باد به غبغب انداخته و می فرماید: هشت سال پیش بود که متوجه شدیم سازمان سیا از تکنیک های پیشرفته برای بازجویی متهمان استفاده می کند. شیوه های خشن بکار می برد. بازجویان سیا به متهمان بی خوابی داده، سیلی زده، آنها را بدیوار کوبیده اند. حتی از این بدتر، ۶ نفر از این متهمان را با آب (آب داغ معمول است) تنقیه کرده اند. و اوایلا...

بعد از ۸ سال متوجه شدند که با متهمان شرکت در ماجرای ۱۱ سپتامبر... بد رفتاری شده، تکنیک بازجویان سازمان سیا موثر نبودند، خشونت خیلی بیشتر از آن حدی بود که مقامات مسئول اعتراف کرده اند. متوجه شدند که سازمان سیا اطلاعات نادرست می داده، کاخ سفید، وزارت دادگستری، کنگره و دیگر نهادهای مسئول را به گمراهی کشیده است. جل الخالق! پیدا کنید پرتقال فروش را...

با این تفصیل، پیداست سازمان سیا، شاید فقط در دوران سرپرستی جورج بوش صغیر، اصلا برای کاخ سفید، وزارت دادگستری، برای قوانین و مجلس قانونگزاری آمریکا بطریق اولی، تره هم خرد نمی کرد. که هیچ بعید نیست. چطور؟ خیلی ساده است. چون این تعبیر « غریب »! توجیه افراطی و غلیظ رئیس کمیته تفتیش سنای آمریکا، از قضا موضوع تزه های آقای رابرت ریچ، وزیر کار سابق آمریکا، تزه های این مشاور اقتصادی بیل کلینتون، رئیس جمهور پیشین آمریکا را تائید می کند.

می گویند که جناب رابرت ریچ، از مداحان پر و پا قرص اقتصاد عامیانه در دوران معاصر، هوادار نوعی اشتغال توام با فقر در کشورهای پیشرفته سرمایه داری... تعریفی خاص از دولت آمریکا دارد، مدعی است: این سرمایه داران متحد اند، مالی و صنعتی، که افسار دولت آمریکا را در دست دارند. من بیگناهم. نگاه کنید به کتاب « موقعیت های بر باد رفته »! تالیف نوآم چومسکی، برگردان فرانسه - از انتشارات فیار. شاید برگردان فارسی هم داشته باشد.

جنایتکار «مظلوم»!

سخن برسر همدردی سوء ظن برانگیز جان مک کین، سناتور جمهوریخواه آمریکا با اعضای باند تروریستی «القاعده»! قیاس احمقانه و بیشرمانه این دلک، جنایتکار جنگی است، که آدم کشان و آدم ربایان سیا ساخته را همتراز با خلق صبور ویتنام جلوه می دهد. ریاکارانه قیام خلق صبور، ملت مغرور ویتنام در قبال اشغالگران نوبتی، ژاپنی و فرانسوی، مقاومت جانانه کارگران و دهقانان ویتنامی در قبال امپریالیسم آمریکا در دهه ۷۰ سده منقضی را شبیه ماجرای تروریستی ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ میلادی قالب می کند.

از شما چه پنهان که گزارش کمیته تفتیش سنای آمریکا، داغ آقای جان مک کین، سناتور جمهوریخواه را نیز تازه کرد. بقول معروف: آه از نهادش بر آورد. چون مردک، امروز دلال محافل مالی و صیهونیستی، حاضر در تمام انقلابات رنگی، وانمود می کند که گویا در دوران اسارت خود در ویتنام، بعنوان یک آدمکش، جنایتکار جنگی، کلی شکنجه شده. اسارت یک جلاذ حرفه ای، خلبان بمب افکن ب-۵۲، طفلک در یک سرزمین غریب، جدا از فک و فامیل شنگول و «متمدن»! هزاران کیلومتر دور از آمریکای «دمکرات»! در چنگ یک خلق انقلابی، طالب آزادی ملی و استقلال سیاسی... خدا نصیب نکند.

اعترافات پرژینسکی

آقای اریک لوران، نویسنده و پژوهشگر و گزارشگر صاحب نام فرانسوی، یکی از کسانی است که با ماجراجویی بوش ها، پدر و پسر، میانه نداشت. در این راستا، نامبرده دو کتاب خواندنی هم تالیف کرد که در سال ۲۰۰۳ میلادی و با عناوین «جنگ بوش ها و دنیای محرمانه بوش»! توسط انتشارات فرانسوی پلون راهی بازار شده و کلی مورد استقبال قرار گرفتند. من نمی دانم، چون احتمال دارد که برگردان فارسی هم داشته باشند.

بیخود نبود که اریک لوران، بعنوان یک مفسر سرشناس، تحلیل گر مسائل بین المللی، بدنبال انفجار نامنتظر برج های دوقلو در منهن... تعابیر رسمی را نا رسا، جدی نگرفت. مشکوک و کنجکاو... توانایی و امکانات حرفه ای خود را بکار انداخت تا ارتباط احتمالی میان این عملیات (۱۱ سپتامبر) با «جنگ بوش ها و دنیای محرمانه بوش»! را دریابد. یکسال، دوندگی کرد، بعد از اطلاع راجع به مناطق مشکوک، بررسی مقدماتی در آمریکا، راهی پاکستان، دوبی و قطر و اسرائیل شد... تا روی پنهان (۱۱ سپتامبر) را کشف کند. حاصل این پژوهش یکساله، کتابی شد نسبتا پر حجم، بیش از ۲۷۰ صفحه، که همان ناشر فرانسوی فوق الذکر، پلون، آن را با عنوان «روی پنهان ۱۱ سپتامبر»! منتشر کرد.

ارتباط و آشنائی نزدیک، یا حتی دوستی محتمل مولف کتاب، اریک لوران، با صاحب منصبان، مدیران و نخبگان در سطح بین المللی، خاصه با دولتمردان با نفوذ آمریکا در گذشته و حال، مثل آقای برژینسکی، تنوریسین و هم مشاور امنیتی کاخ سفید در دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر، اصلا غریب نیست. قسمتی از کتاب فوق الذکر در باره ماجرای مشکوک ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی در منهن، محاوره اریک لوران با برژینسکی راجع به موضع آمریکا در افغانستان، نقشی که امپریالیسم آمریکا، بدنبال لشگرکشی شوروی به افغانستان بسال ۱۹۷۹ میلادی، در این کشور بازی کرد را در بر می گیرد. حاوی اعتراف برژینسکی، که موضوع بحث من در باره گزارش کمیته تفتیش سنای آمریکا را تأیید می کند. نقل تمام محاوره مقدور نیست. فقط آنجا که می گوید:

بسال ۱۹۷۹ میلادی، کوتاه بعد از لشگرکشی شوروی به افغانستان، آقای برژینسکی، مشاور امنیتی کاخ سفید، مشاور ممتاز جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا، کارتر را قانع کرده بود که می بایست مجاهدین افغان را مورد حمایت قرار داد، ایضا بن لادن و القاعده را... مسلح کرد. ۲۰ سال بعد، غرب، وحشتزده، متوجه وسعت خطر شد... از کتاب « روی پنهان ۱۱ سپتامبر »! بزبان فرانسه - از انتشارات پلون.

نمی خواهم در باره « نیت پاک »! یا تعلقات طبقاتی آقایان، لوران و برژینسکی، روده درازی کنم. خیر، سخن برسر وحشت غرب « متمدن »! نگرانی دولتمردان هم نیست. ولی همین یک اعتراف « پیش پا افتاده »! باندازه کافی گویا، از روی حقه بازی کاخ سفید، تبهکاری های آشکار و نهان سازمان سیا در گذشته های دور و نزدیک پرده بر می دارد. کمیته تفتیش سنای آمریکا را رسوا می کند. نشان می دهد چرا کمیته از حقایق می گریزد. خود کرده ها را ماستمالی، آگاهانه در حاشیه قرار می دهد. یا چرا سناتورهای کار کشته، دمکرات و جمهوریخواه، طالب حل معما نبوده و نیستند...

اینکه کمیته تفتیش سنای آمریکا، بدون شک آشنا با تز برژینسکی و تصمیم کاخ سفید، با چگونگی بسیج و تسلیح و تعلیم مجاهدین، بن لادن و شرکاء، و با سازماندهی باند القاعده از پرداختن به اصل مساله طفره می رود - نه « تصادفی »! که کاملا آگاهانه است، چون قرار نیست که افکار عمومی با برنامه ریزان عملیات تروریستی در داخل و خارج، طراحان پشت پرده انفجارهای نا منتظر منهن، ماجرای مشکوک (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱)، آشنائی داشته باشد - از الزامات امنیت « ملی آمریکا »! نا گفته نماند که تزه های برژینسکی از میانه دهه ۶۰ تا پایان دهه ۸۰ قرن بیستم، کلی در جهان سرمایه داری خریدار داشت. چون نامبرده، برژینسکی، مثل آقای کیزینجر، مشاور دائم کاخ سفید، پنتاگون و سیا و سنا، یکی از کارگزاران ممتاز امپریالیسم آمریکاست.

یکی دیگر از شگردهای غلط انداز کمیته تفتیش سنای آمریکا در گزارش اخیر این است که وسائل شکنجه و کار بردشان در مورد متهمان شرکت در ماجرای مشکوک ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی را « غریب »! جلوه می دهد. چرا؟ مصرف داخلی و انتخاباتی دارد. چون در دنیای کودتاهای ننگین، ممالک قربانی... مردم با انواع وسائل شکنجه های مدرن، شوک الکتریکی، آپولو و تنقیه آب جوش - با این اجناس وارداتی، ساخت آمریکا و اسرائیل، خوب آشنائی دارند. از خود شکنجه ها که نگو. کسی نیست که از شکنجه زندانیان سیاسی، آزادیخواهان، عناصر ملی و مترقی، انقلابی و کمونیست، توسط ماموران امنیتی حکام محلی، همه شاگردان سازمان سیا، دست پروردگان موساد، بی خبر باشد. پس تعجب کمیته تفتیش سنای آمریکا ریاکارانه است. سناتورها دروغ می گویند... زیادی می خورند.

دکترین « شوک »!

در این ارتباط، بشنوید از یک شهروند محترم و مترقی آمریکا، خانم نوآمی کلاین، پژوهشگر اقتصادی، که با تلاش قابل تحسینی توانست سابقه شکنجه های « غریب »! منشاء و اهداف این جنایت های « علمی و محرمانه »! توانست کلی از این حقایق را کشف، مسئولان و ماموران پشت پرده... دست اندرکاران این بازی های تهوع آور را شناسائی کند. حقایقی « تلخ »! که مشیت سناتورهای کم حافظه را وا می کنند. گزارش کمیته تفتیش سنای آمریکا را بکلی از اعتبار می اندازند:

یکی از کسانی که ویران شدن مدارس دولتی بر اثر جاری شدن سیل در نیواورلئان را « فرصت »! ارزیابی کرد میلتون فریدمن بود... برای فریدمن، نظام مدارس دولتی بوی سوسیالیسم می داد... مبتکر « دکترین شوک »! فریدمن، به پینوشه توصیه کرد... تا اقتصاد را بسرعت... با کاهش مالیات ها، آزاد سازی تجارت خارجی، خصوصی سازی خدمات آب و برق و تلفن، کاهش مخارج اجتماعی دولت و حذف تمام مقررات از بازار... باز سازی و تعدیل کند... پینوشه (توصیه را قبول کرد) با شوکهای در مانی خود... تعدیل اقتصادی را تسهیل می کرد... شوک های درمانی در شکنجه گاههای متعدد رژیم (سر به راه پینوشه)، بر بدن های رنجور زندانیان... وارد می شدند...

درست ۳۰ سال بعد... همین فرمول بود... که با خشونت بیمراتب بیشتر... در کشور عراق هم پیاده شد... کار را با جنگ شروع کردند... با دکترین نظامی « شوک و ارباب »! تا جنگ « اراده، عقل و شعور دشمن را مهار کند... عکس العمل دشمن را عقیم سازد »! بعد نوبت به شوک اقتصادی رسید... برای تحمیل آن پل برمر را به عراق فرستادند: خصوصی سازی گسترده، تجارت خارجی کاملاً آزاد، نرخ ثابت مالیاتی ۱۵٪ در صدی...

در عراق و یا در نیوارولنان - آن روندی که فریبکارانه « بازسازی... » نام گرفت، با تکمیل فاجعه اصلی آغاز شد: امحای تمام چیزهای عمومی، بجا مانده های ریشه دار در جوامع... برای تسریع جایگزینی شان با چیزی شبیه به مدینه فاضله... کمپانی های عظیم، در این باره، مایک بتلز، مامور ۳۴ ساله، مامور سابق سازمان سیا در عراق... خیلی خوب توضیح می دهد: « برای ما، ترس و بی نظمی، نوید بخش وضعیت مطلوب بود! »

با کند و کاوی عمیق تر در باره تاریخچه این مدل بازار و نحوه اشاعه آن در جهان دریافتم که ایده بهره برداری از بحران ها و فجایع، شگرد میلتن فریدمن... متوجه شدم آنچه در عراق و نیوارولنان روی داد راهکاری جدید نبود که پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی ابداع شده باشد... بلکه یک راهکار قبلی است... که بعد از ۳ دهه تمرین دکترین شوک، در عراق و نیوارولنان به نقطه اوج خود رسید...

راهکار میلتن فریدمن و شرکاء بمدت ۳ دهه متوالی، لحظه های دکترین شوک درمانی در سایر کشورها (نمونه های مشابه با ۱۱ سپتامبر در خارج از آمریکا...) آزمایش شد... ۳ دهه بدرزا کشید تا در قالب ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی به سرزمین زادگاه بازآمد... دولت بوش صغیر معطل نشد... وظائف فوق العاده حساس و محوری را به بخش خصوصی واگذار کرد - از تامین خدمات درمانی و بهداشتی برای سربازان گرفته تا بازجویی از زندانیان و جمع آوری و جستجوی اطلاعات در باره همه ما شهروندان...

شکنجه یا بقول سیا « بازجویی خشن! » مجموعه فئونی است برای انداختن زندانیان در وضعیت آشفتگی و سردرگمی عمیق، با هدف مجبور کردن شان به پذیرش اموری بر خلاف میل و اراده زندانیان ابداع شده... هدف از شکنجه ایجاد نوعی طوفان شدید ذهنی است... بطوریکه زندانی آنچه را که بازجو می خواهد بگوید... مطلوب « دکترین شوک! »

در دهه ۱۹۵۰ میلادی، سازمان سیا پزشکی را در مونترآل کانادا تامین مالی می کرد تا بر روی بیماران روانی اش آزمایش های عجیب و غریبی انجام دهد، آنها را بمدت چندین هفته در خواب و انزوا نگه دارد... به آنان شوک های الکتریکی طولانی و متعدد وارد کرده و معجونی آزمایشی از داروها - قرص روان گردان LSD، قرص توهم زای PCP... را بر روی بیماران روانی آزمایش کند... آزمایشاتی که بیماران را به وضعیت دوران کودکی، حتی به دوره قبل از زبان باز کردن فرو می کاست...

آزمایشات در « انستیتوی آلن مموریال »! از دانشگاه مک گیل و با نظارت دکتر ایون کامرون، اولین استاد شوک های درمانی و رئیس انستیتو مذکور، صورت می گرفت... تا اینکه در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی... ماجرای دست داشتن سازمان سیا در تامین مالی آزمایش های دکتر کامرون افشا شد... کار به تحقیقات از طرف سنای آمریکا کشید... معلوم شد که دولت کانادا هم در تامین مالی پژوهش های دکتر کامرون دست دارد...

فرازهائی از کتاب خانم نوآمی کلاین موسوم به «دکترین شوک»! برگردان فارسی کتاب از آقایان:
مهرداد [خلیل] شهابی و میر محمود نبوی، نشر کتاب آمه - تهران

بعد از بوقی... گروه ملیجکان امپراتوری، کمیته تفتیش سنای آمریکا «کشف کرد»! که بعضی ماموران سازمان سیا با متهمان شرکت در ماجرای مشکوک ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی بد رفتاری کرده اند. به آنان بی خوابی داده، سیلی زده اند. آنها را بدیوار کوبیده اند. با آب داغ تنقیه کرده اند... «کشف کرد»! که سازمان سیا خشونت بکار برده، بیشتر از آن حدی که مسئولان بدان اعتراف دارند... عاقلان دانند.

پسگفتار

قضاوت نهائی - منصفانه یا «مغرضانه»! در باره گزارش اخیر کمیته تفتیش سنای آمریکا با خوانندگان. بهر حال، حقیر فکر نمی کنم که سیا طراح انفجارهای منهتن، مبتکر این عملیات تروریستی، ماجرای مشکوک ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی در آمریکا باشد. معذالک، سوای اعترافات معتبر و مکتوب آقای برژینسکی که شرحش رفت + کودتاهای ننگین، اقدامات تهوع آور، سرباز گیری برای عملیات تروریستی در گذشته های دور و نزدیک، با شرکت مستقیم و یا نظارت سازمان سیا... کلی سند و مدرک، اغلب قابل دسترسی، دهها و سدها شاهد زنده وجود دارد مبنی بر اینکه سازمان سیا، با دستور مقامات، ارگان های مسنول، کاخ سفید و پنتاگون، با مشورت و مصوبات سنای آمریکا، بن لادن و شرکاء، سازمان سیا باند تروریستی القاعده را برای روز مبادا، اجرای عملیات مشابه، نظیر ماجرای ۱۱ سپتامبر، انفجارهای ناگهانی، ویرانگری و تخریب، کشتار جمعی... برای تحقق استراتژی پنتاگون سازمان داد. اما نه در خاک آمریکا. شاید، حدس می زنم، اگر امپراتوری شوروی پا بر جا می ماند... نوعی ۱۱ سپتامبر در مسکو یا لنین گراد رخ می داد...

فراموش نکنیم

در ایران خودمان، بدنبال کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، اوباش ساواک، شکنجه گران سیا ساخته و سیا پخته، نظیر عضدی و تهرانی و رسولی و حسین زاده و منوچهری، حسینی و آرش و فرامرزی و... با نظارت سیا و موساد، مشغول بودند. کوتاه پس از کودتای ننگین، حسین فاطمی، وزیر خارجه کشور ما را، مضروب چاقوی جان نثاری بی مخ و با تب ۴۰ درجه کشتند. سر وارتان را با مته سوراخ کردند. انوشه ناوی را با چشمان باز تیرباران کردند. دلاوران بیدار خلق ما، ملی و انقلابی و کمونیست را بدار آویختند. نظامیان مغرور و شرافتمند کشور ما را از میان بردند. کلی افسران پاک باخته و میهن دوست، افسران حزب توده ایران را در سینه دیوار کاشتند، سوراخ سوراخ بخاک انداختند. آسودگی ما عدم ماست...

به احترام دلاوران ملی و انقلابی و کمونیست ایران، قربانیان کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۳۲، پیش کش همه کسانی که برای آزادی و آبادی و استقلال کشورمان رزمیده و می رزمند:

اگر ای مردک نامرد بشلاق سکوت

بشکنی بر لب من قصه گویای امید

اگر ای شاه همه روسپیان پاره کنی

دفتر شعر مرا تا ندمد صبح سپید

باز بر سینه دیوار نویسند برا

مرگ بر شاه بر این عامل رسوای سیا

یاد مانده ای از سرگرد جعفر وکیلی یکی از افسران تیر باران شده حزب توده ایران

رضا خسروی